

کریستن آلونسون
درخت کژریختی‌ها
ترجمه پویا غلامی

asabsanj.com



میان نسخ خطی به طبع رسیده و رسالات مکتوب درباره‌ی کژریخت‌شناسی و رمزحیوان‌شناسی^۱، یک اثر تاثیرگذارتر از بقیه بوده است: درباره‌ی هیولاها و عجایب اثر آمبروز پره^۲ که در قرن شانزدهم نوشته شده است. پره جراح مشهور فرانسوی، جراح سلطنتی هنری دوم، فرانسیس دوم، شارل نهم و هنری سوم بوده است. پره هیولاها و عجایب را در اوج جنون کژریخت‌شناختی قرن شانزدهمی که از دل مشغولی‌های طبی و مخفی^۳ قرون میانه به ارث رسیده بود به نگارش درآورد. هیولاها و عجایب، نوشته‌شده در مراحل متأخر حیات حرفه‌ای پره در مقام یک جراح، مدح هیولایی الگوهای درخت‌مانند علم رده‌گان‌شناسی^۴ است. نزد پره، همان دانشمندی که باور داشت رساله‌ی کژریخت‌شناختی‌اش باید همبسته‌ی دیگر آثارش درباره‌ی جراحی و پزشکی عملی به شمار آید، مسأله‌ی رده‌گان‌شناسی پیچ‌خورده‌تر و از شکل‌افتاده‌تر از خود هیولاها و از شکل‌افتادگی‌هاست. مسائلی درباره‌ی معماهای الاهیاتی، نیروهای مخفی و جانداران

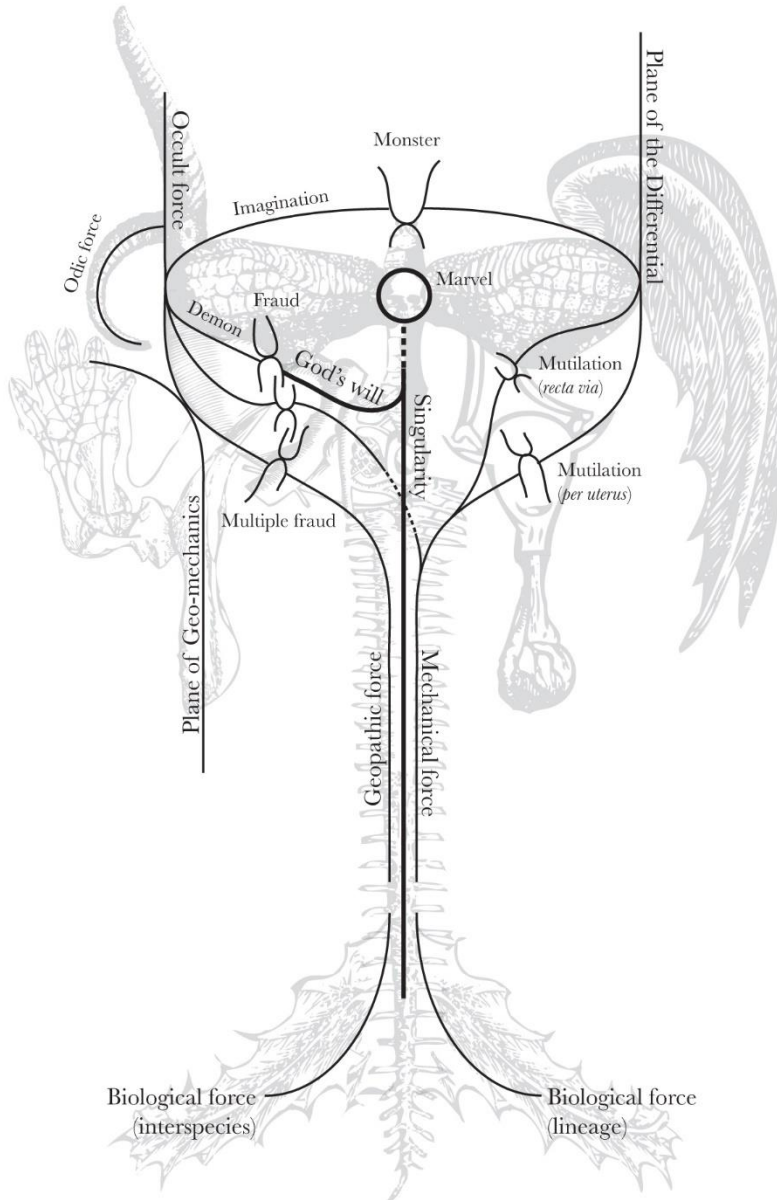
1 cryptozoology; حیوان‌شناسی رمزی

2 Ambroise Paré

3 occult; باطنی، نهانی

4 Taxonomy; طبقه‌بندی

عجیب‌الخلقه که از قرون میانه به ارث رسیده بودند به‌سادگی نمی‌توانند با راه‌حل‌های رنسانس تطبیق یابند. از همین‌رو، خود رده‌گان‌شناسی است که برای پره به‌منزله‌ی چیزی به‌راستی هیولایی به‌شمار می‌آید: چگونه ممکن است یک نظم یا یک رده‌گان‌شناسی هیولایی به وجود آورد تا همه‌ی شیطان‌صفتان، موجودات رذل، همه‌ی از شکل‌افتادگی‌های دیوآسا و شگفتی‌های الهی را به این تا' بازگرداند؟



«رده‌گان‌شناسی به‌منزله‌ی امر هیولایی»، «سلسله‌مراتب به‌منزله‌ی از شکل‌افتادگی»، «طبقه‌بندی به‌منزله‌ی نظم شی‌زوفرنیایی» و «درخت همچون عجیب‌الخلقه» همگی می‌توانند نماینده‌ی خصایص جزئی نظام کژریخت‌شناختی پره باشند. پره برای برآمدن از پس چیستان از شکل‌افتادگی‌ها، هیولاها و شگفتی‌ها، یک‌بار و برای همیشه، یک مدل فرافیزیکی می‌آفریند که در آن (۱) تکینگی، (۲) پهنه‌ها، و (۳) نیروها مولفه‌های اصلی برای جعل یک نظام رده‌گان‌شناختی‌اند. نیروها از زمینه‌ها یا سپهرهای متفاوت مشتق می‌شوند و از نیروهای فراهنجاری-مخفی تا مکانیکی-فیزیکی فرق می‌کنند؛ در نظام پره، بیشتر رده‌گان‌شناسی‌ها از دل برهم‌کنش‌های بین همین عناصر بیرون می‌آیند. این برهم‌کنش‌ها اعمال نیروها بر پهنه‌ها، امتزاج نیروها با همدیگر، یا تقابل برخی نیروها با تکینگی را شامل می‌شوند. باین‌حال، نیروی خداوند^۱ یا تکینگی قادر به بسط رده‌گان‌شناسی‌ها روی خودش است. این عناصر می‌توانند سیزده علت تولید کنند که موجب نابهنجاری‌ها می‌شوند^۲. در طبقه‌بندی بعدی، پره این علل را به چهار گروه دیگر تقسیم می‌کند که از شکل‌افتادگی‌ها بر مبنایشان شناسایی می‌شوند: الف) علل شگرف، ب) علل هیولایی، پ) علل معیوب‌ساز و سرانجام ت) علل نیرنگ‌آمیز. علل شگرف همان عللی‌اند که به مداخله‌ی مستقیم خدا تعلق دارند و به (۱) غضب و (۲) شکوه او تقسیم می‌شوند. علل هیولایی از آمیزش نیروهای متفاوت یا از کاربرد نیروهای متفاوت بر برخی پهنه‌ها نشأت می‌گیرند؛ آن‌ها (۳) مقدار بسیار زیاد نطفه، (۴) مقدار بسیار کم نطفه و (۵) تخیل مادرانه حین باروری هستند. نقص‌عضوها یا معیوب‌سازی‌ها اغلب با کاربرد نیروهای مکانیکی به بار می‌آیند، خواه مستقیماً روی جنین خواه از طریق زهدان؛ بقیه‌شان از نیروهای زیست‌شناختی ناشی می‌شوند که خود به دو منبع تقسیم می‌شوند: موروثی و بیناگونه‌ای. نقص‌عضوها یا معیوب‌سازی‌ها شامل (۶) از شکل‌افتادگی یا کوچکی زهدان، (۷) اطوار تنانه‌ی مادر حین باروری، (۸) فشار غیرطبیعی، بادهای شدید یا حتا یک دم هوا که به زهدان وارد شود، (۹) بیماری‌های موروثی یا عارضی، (۱۰) نطفه فاسد، (۱۱) امتزاج نطفه‌های گونه‌های متفاوت. چهارمین مقوله یا طبقه‌بندی علل، یعنی علل نیرنگ‌آمیز اکیداً به نیروهای مخفی مربوط می‌شوند: (۱۲) از طریق ترفندهای گدایان شریر، (۱۳) دیوان و خود شیطان. از میان این سیزده علت، یازدهمی و سیزدهمی می‌توانند به یک وصلت بی‌چون‌وچرا شکل دهند — علل برآمده از فهم‌های غیرطبیعی (۱۳a). علل شامل نطفه‌ها (۳، ۴، ۱۰، ۱۱) می‌توانند در همدیگر ادغام شوند تا رسته‌ی جدیدی بسازند یعنی علل ناشی از نطفه‌های غیرطبیعی (۱۳b).

بدین‌طریق، پره همچنان دیگر شاخه‌ها، ساقه‌ها، شاخک‌ها، ترکه‌ها، و میوه‌های غیرطبیعی را به

1 Godhead

2 Ambroise Paré, *On Monsters and Marvels*, trans. Janis L. Pallister (Chicago: University of Chicago Press, 1982), pp. 34.

رده‌گان‌شناسی‌اش می‌افزاید. هرچند او مختصراً به هیولاهای آفریقایی و اقیانوسی نزدیک می‌شود اما با ارجاع به ذات نهن‌زاد و رمززایانه‌ی امر هیولایی تأکید می‌ورزد که خاستگاه هیولاها باید پنهان بماند.



درخت کتزیختی‌ها (بنگرید به ص. ۳۶۸ کتاب پره) یک طراحی شالکه‌مند در جستجوی نظام پره‌ای در رده‌گان‌شناسی کتزیخت‌شناسی است. درخت کتزیختی‌ها، با در نظر گرفتن رده‌گان‌شناسی به‌منزله‌ی ایده‌ای هیولایی شامل همه‌ی هیولاها و از شکل افتادگی‌ها، الگویی درختی در سنت درختان اولیه‌ی معرفت، عناصر بنیادین، دیوان، و اجرام سماوی است. درخت کتزیختی‌ها سنت توزیع‌های درختی را پی می‌گیرد

آنجا که ایده‌ی درخت^۱ ضرب یا نسبت دو عملیات است: انقباض و انبساط، که با دو تا، با ریشه‌ها و شاخه‌ها بازنمایی شده‌اند. درخت در الگوهای درختی اولیه نه تمامی دوشاخه بلکه نسبتی متناسب بین فعالیت‌های زیرزمینی و بلندمرتبه است؛ درخت همچنین ابدی‌سازی عدم تقارن‌ها یا از شکل افتادگی‌ها در تقارن یا در شکل است. تنه در مقام بخش مشترک این الگو نمونه‌ای از نسبت غیردوشاخه‌ای بین ریشه و شاخه است. اگر درخت یک نسبت یا ضرب بین فعالیت‌های زیرزمینی و بلندمرتبه باشد، آنگاه نمی‌تواند تا ابد از شکل افتاده باشد بی‌آنکه طرح کلی معرفش را از دست ندهد. تغییرات جدید، به عنوان بخشی از این ضرب/نسبت بین ریشه‌ها و شاخه‌ها، می‌توانند درون گستره‌ی موجود ساخته شوند که با دو قطب، یعنی با ریشه‌ها و شاخه‌ها، مشخص می‌شود. تصویر درختان پوک و توخالی نمونه‌ای خوب از این ظرفیت عظیم برای از شکل انداختن است. درختان توخالی مکرراً در تصویرسازی‌ها و نقاشی‌های سبک گروتسک^۲ و در حکاکی‌های تزئینی ملهم از اسلیمی‌های عربی قرن شانزدهمی ظاهر می‌شوند، تازه اگر از درختان نارون مرده‌ای که در نقاشی‌های رنسانس ایتالیایی برجسته‌نمایی می‌شوند یاد نکنیم. یک حکاکی قرن سیزدهمی از کتاب *Ornamentale Vorlage-Blatter* ساخته‌ی پیکرتراش و نقشه‌کش فلاندری، کورنلیس فلوریس دوم^۳، درختی را به تصویر می‌کشد که نه یک درخت بلکه تفریح یا بازیچه‌ی طبیعت است. درخت فلوریس، با اشاره به میوه‌ی ممنوعه‌ی باغ عدن، به شکل میوه‌ای است که با دیوان، هیولاها و مارها به بیرون باز و شکوفا می‌شود. این درخت یک گودی است که بار درخت‌بودگی‌اش را تنها در همین نمودش تاب می‌آورد.

1 Grotteschi

2 Cornelis Floris II

3 tree-ness



نیروها و پهنه‌های نو به درخت کثریختی‌ها افزوده شده‌اند تا علل از شکل‌افتادگی‌ها را که در رده‌گان‌شناسی پره غایب‌اند دربرگیرند. درخت کثریختی‌ها پنج نیرو و دو پهنه را شامل می‌شود. نیروها شامل (۱) نیروهای زیست‌شناختی موروثی، (۲) نیروهای زیست‌شناختی بیناگونه‌ای، (۳) نیروهای مکانیکی، (۴) نیروهای مخفی، و (۵) نیروهای زمین‌بیمارانه^۱. پهنه‌ی امر دیفرانسیلی [تفاوت‌گذار] و پهنه‌ی علم زمین‌مکانیک مستقیماً شامل تولید از شکل‌افتادگی‌ها و هیولاها نمی‌شود، بلکه دو نیروی متفاوت را که می‌توانند موجب ناهنجاری‌ها شوند به هم وصل می‌کند: پهنه‌ی امر دیفرانسیلی مرحله‌ی رویانی یا جنینی تفاوت‌گذاری سلولی را بیان می‌کند. وزش باد یک نیروی مکانیکی است؛ وقتی این نیرو حین تفاوت‌گذاری جنینی سلول‌ها بر زهدان اعمال می‌شود می‌تواند موجب از شکل‌افتادگی در جنین شود، و نتیجتاً نوزاد را پدید آورد. برای مثال، یک شوک مکانیکی که به اندام در حال رشد فرستاده شده می‌تواند بعداً بچه‌ای به بار آورد که هفت انگشت بر هر پا دارد و فاقد آرنج است، زیرا اندام‌های در حال رشد در خودشان ایده‌های انگشت‌ها و آرنج‌ها را دارند که بعدتر به انگشت‌ها و آرنج‌های بالفعل یا واقعی تفاوت‌گذاری می‌شوند. کاربرد مفرط یا ناخواسته‌ی نیروهای مکانیکی برای آرنج می‌تواند باعث دسته‌ای از از شکل‌افتادگی‌ها شود که به نقص‌عضوها معروف‌اند. در درخت کثریختی‌ها عجایب به وسیله‌ی تکینگی‌هایی چون مداخله‌ی مستقیم خدا آفریده می‌شوند. موارد از شکل‌افتادگی‌ها یا وارونگی اعضای داخلی که مرگبار نیستند معمولاً با مداخله‌ی مستقیم خدا تداعی می‌شوند و به‌عنوان عجایب در نظر گرفته شده‌اند. ژان ماسه^۲، سربازی هفتاد و دو ساله، پس از مرگ کالبدشکافی شد و در نتیجه‌اش معلوم شد که تجلی کاملی از *Situs inversus* [وارونگی اندام‌های داخلی] است، با قلب و طحال در سمت راست و کبد در سمت چپ. ژوزف-گیشار دورنی^۳، کالبدشناس فرانسوی، این مورد را عجیب یا شگرف اعلام کرد زیرا از شکل‌افتادگی داخلی اصلی اساساً به شیوه‌ای در نطفه‌ی بسته‌شده واقع شده بود که موجب مرگ یا نقص عضو نشد.

1 Geopathic;

نظریه‌ای شبه‌علمی که به تاثیر فرایندهای زمین‌شناختی بر کیفیات سلامتی قوای روان‌تنانه باور دارد و مدعی است منابع مختلف انرژی مثل حرکات زیرزمینی جریان‌ات آبی، پرتوایی منابع رادیواکتیو، و منابعی دیگر از این دست، به ارتعاشات فزاینده‌ای دامن می‌زنند، و نیز اینکه «جاها یا جایابی‌هایی که از حیث زمین‌بیمارانه پرفشارند» دیرزمانی بابت به‌بارآوردن فهرست طولی از امراض مورد ملامت بودند که گستره‌ای از انواع سردردها تا سرطان‌ها را شامل می‌شوند. م.

2 Jean Mace

3 Joseph-Guichard Duverney



نیروهای مخفی گستره‌ی وسیعی از تأثیرها و فیضان‌ها از جمله تخیل، الکتریسیته، نیروی آدی^۱ و مغناطیسی، اثرات دیوآسا و الخ را شامل می‌شود. زهدان، بنا بر الگوهای کژریخت‌شناختی رنسانس، اندامی است که عطش نیروهای بیرونی را دارد.^[۱] زهدان هر هیجان مبهم یا نیروی گنگی را که به سویس هدایت شود جذب می‌کند و برمی‌چیند. مثال کلاسیک قرون‌میانه‌ای از نفوذ مخفی تخیل بر جنین: «زنی که در دوره آبستنی‌اش به بوزینه‌ای نظر بدوزد و نتیجتاً طفلی بزاید که موی سیاه ضخیمی سرتاسر تن و حتا درون دهانش را پوشانده است». نیروهای مخفی می‌توانند با دیگر نیروها بستیزند با به آن‌ها پیوندند تا از شکل‌افتادگی‌ها را سبب شوند. به همین دلیل، نیروهای مخفی اغلب از شکل‌افتادگی‌های نیرنگ‌آمیز را شامل می‌شوند. برای نمونه، برق به منزله‌ی نیرویی مخفی می‌تواند با نیرویی مکانیکی ترکیب شود و حقه یا ترفندی به وجود آورد. یک خفاش مادر که به گرمی بچه‌اش را با سینه‌اش از راه سیم برق تغذیه می‌کند برق‌کش می‌شود. بند لامسه‌ای مکانیکی بین مادر و بچه به تسخیر برق درآمده است؛ و از همین‌رو، تماسی مادرانه به یک حقه یا ترفندی هیولایی تغییرشکل می‌دهد (بنگرید به تصویر صفحه‌ی بعدی). نیروهای

۱. Odic؛ ر.ک. یادداشت دوم، انتهای متن. م.

مخفی روی خودشان نیز عمل می‌کنند تا حقه‌های دیگری تولید کنند. کسی که زمانی طولانی را در تاریکی مطلق سپری کرده باشد می‌تواند تصویری شیخ‌گون را که به نیم‌تنه یا به پشت سرش وصل شده سرایت دهد. این حقه‌های شیخ‌گون می‌توانند به شکل یک سر دوم، یک دوقلوی دگرگون‌شونده و پیوندیافته، و مانند این‌ها باشند. این ترفندهای شیخ‌وار یا پیشابرون‌مایه‌ای^۱ معمولاً با فیضان‌های آدی^[۲]، مغناطیسی یا دیگر فیضان‌های مخفی در پیوند هستند. نیروهای مخفی می‌توانند با تکینگی بستیزند یا اراده‌ی خدا را به یک حقه تغییر دهند. یک پری هم‌خوابه می‌تواند با مردی که در خواب است رابطه‌ی جنسی داشته باشد، و باعث شود او که رویای مرد بودن دارد به صورت یک سوسک آبی بیدار شود.



۱. Proto-ectoplasmic؛ اکتوپلاسم در بستر زیست‌شناختی یعنی برون‌مایه (لایه‌ی خارجی، بی‌دانه و نسبتاً سفتِ سیتوپلاسم)، اما همچنین در بستر باطنی معادل‌هایی چون رشحه‌ی جذبه یا رایحه‌ی خلسه را به خود می‌گیرد که اشاره‌ای است به رایحه‌ای که از اشخاص در حال خلسه و وجد متساعد می‌شود. م.

در کزریخت‌شناسی شرق دور، خصوصاً کزریخت‌شناسی چینی، هیولاها می‌توانند از طریق ترکیب نیروهای زمینی و اثرات مخفی از نو جان بگیرند. یک نیرو یا فشار زمین‌بیمارانه معمولاً بر حسب پرتوهای زمینی آسیب‌زا تعریف می‌شود که به زمینه‌های الکترومغناطیسی زمین، به خطوط گسل، کانی‌ها، غارهای زیرزمینی و الخ متصل است. این نیروها می‌توانند با نیروهایی مخفی ترکیب شوند که به پهنه‌ی زمین‌مکانیکی نفوذ می‌کنند و از شکل‌افتادگی‌های خاص را سبب می‌شوند. پسری در آغاز بلوغ که همراه با و ورای خطوط رابط جادویی^۱ یا دیگر خطوط انرژی راه می‌رود می‌تواند تحت نفوذ پرتوهای یا تشعشعات زمینی مخفی قرار بگیرد که می‌توانند پسرک را به جنون بکشانند یا میزان رشد استخوانش را افزایش دهند، سر را بزرگ کنند، یا رشد سرتاسری‌اش را متوقف کنند. در کزریخت‌شناسی چینی، مواردی از زنان آبستن وجود داشته‌اند که پس از قرارگیری در معرض جایی خاص، همچون قربانگاهی سابق برای قربانی کردن انسان‌ها یا خانه‌ای با تاریخچه‌ای تاریک، نوزادانی شدیداً از شکل‌افتاده به دنیا آورده‌اند. چون این از شکل‌افتادگی‌ها با چیزی بیش از یک نیروی مهم ایجاد می‌شوند، پس به منزله‌ی دسته‌ای از ترفندهای کثیر طبقه‌بندی می‌شوند. دو نیروی آخر، نیروهای زیست‌شناختی موروثی و بیناگونه‌ای، تایی ارگانیک درخت را می‌سازند که نیروهای غیرارگانیک بر روی آن رشد می‌کنند و می‌شکند. فهم‌های غیرطبیعی بین خوک‌ها و انسان‌ها یا مورچگان و شیران از جمله‌ی از شکل‌افتادگی‌های زیست‌شناختی بیناگونه‌ای هستند. حال آن‌که از شکل‌افتادگی با نطفه‌ی فاسد به نیروهای موروثی یا نیروهای مرتبط با تبار تعلق دارد. درخت کزریختی‌ها تناسب شاخه‌ها با ریشه‌هایش، تناسب بازوان غیرارگانیک با اندام‌های اضافی و زائد [برون‌اندام‌ها] را نشان می‌دهد. هیولاها، حقه‌ها، عجایب، نقص‌عضوها و ترفندهای کثیر، ثمرات همین نسبت متناسب‌اند.

هم به معنای خط رابط جادویی و هم به معنای علفزار یا چمنزار | Leylines



یادداشت‌ها:

[۱] بنا بر متون رنسانس، اگر تخمک زنانه ثمر ندهد با همان عطشی که دارد تخمیر خواهد شد، خواهد پوسید، و به جانوری موزی بدل خواهد شد که یا زهدان را خواهد بلعید یا کژدیسه‌اش خواهد کرد (ن.ک. شرح ایزابلا موثلولز بر خودشرح حال نگاری‌اش، ۱۶۹۵).

[۲] نیروی آدی نامی است که در قرن نوزدهم از سوی کارل فن رایشنباخ به یک نیروی حیاتی فرضی داده شده است، نوعی سرشاری زندگی که از جوهرهای حیاتی ساطع یا صادر می‌شود و به الکتریسیته و مغناطیس شباهت دارد. نیروی آدی اغلب اوقات خودش را در دهان، دست‌ها، پیشانی و استخوان پشت سر بروز می‌دهد و قوانین توزیع‌اش متفاوت از قوانین توزیع الکتریسته‌اند: (پدیده‌ی آددرخشان مربوط به حد عظیمی از پدیداری بر صفحات یا بشقاب‌های فلزی (برق‌رسانی‌شده یا غیرعایق‌شده) به سطح آهنین نمی‌چسبد، آنطور که جریانات الکتریکی می‌چسبند، بلکه بر فراز آن سطوح جریان می‌یابد درست همانطور که شفق شمالی بر زمین جاری می‌شود. جریانات آدی نه صرفاً از نقاط بلکه همچنین از پهلوهای بدن‌ها، حتی از بدن‌های مضرّس، برای نمونه از بلورهای بزرگ جریان می‌یابند: الکتریسیته نقطه‌ای برای خروج را ترجیح می‌دهد.) (کارل فن رایشنباخ)









Source: Kristen Alvanson, *Arbor Deformia*, in *Collapse: Philosophical Research and Development*, Volume IV: Concept Horror, Edited by Robin Mackay, Urbanomic and Falmouth, 2008, 367-390